

ابعاد غیر قابل تصور سرکوب و ارباب:

هفتاد استاد دانشگاه پس از دیدار با موسوی بازداشت شدند

صفحه چهار

محسن مخملباف:

برای شهدا شام غریبان بر گزار کنیم

- * هر ایرانی جمعه شب در غروب آفتاب برای شهدای آزادی یک شمع روشن خواهد کرد
- * نگذاشتند رای هایمان را بشماریم، حتی نگذاشتند شهدایمان را بشماریم
- * حتی نگذاشتند پدر ندا گریه کند، حتی نگذاشتند مادر ندا داغی را که بر دل داشت بگیرد

روزنامه ایتالیایی:

خروج بی سابقه پول از ایران آغاز شده است



در ادامه سیاست مشت آهنین سرکوب:

شلیک به سوی شهروندان عادی و معترضان در میدان بهارستان

شهادت یک دختر نوزده ساله به دلیل اصابت گلوله در ناحیه گلو

صدها تن از افراد گارد ویژه و بسیجی ها چند صد نفر از تظاهرکنندگان را در میدان بهارستان تهران پراکنده کردند. خبرگزاری فرانسه به نقل از شاهدان عینی آورده است که مأموران انتظامی از ساعاتی جلوتر این منطقه را محاصره کرده بودند. خبرگزاری فرانسه اضافه کرده است: تظاهرکنندگان با اجتماع در پیاده روها، شعارهایی سردادند.

یک شاهد عینی در محل به شبکه تلویزیون آمریکایی سی ان ان گفت که «قریب پانصد تن از نیروهای لباس شخصی و شبه نظامی همانند جانوران درنده به مردم حاضر در میدان بهارستان حمله می کنند.»

استفاده نمودند و با مشاهده مقاومت مردم معترض به استفاده از تیراندازی هوایی و سپس مستقیم روی آوردند. در این برخوردها شماری دستگیر و شمار دیگری زخمی شدند.

بر اساس گزارش های دریافتی تا کنون یک دختر نوزده ساله از ناحیه گلو مورد اصابت گلوله نیروهای شبه نظامی و لباس شخصی قرار گرفته است. در این حال، تیراندازی هوایی و مستقیم کماکان در منطقه بهارستان ادامه دارد.

در زمان تنظیم این گزارش درگیری ها در این منطقه کماکان ادامه دارد و افزایش شمار زخمی ها، دستگیر شده ها و احیاناً جان باختگان محتمل است.»
ساعاتی پیش خبرگزاری فرانسه اعلام کرده بود که

برغم اعتراضات داخلی و بین المللی به خشونت بی حد و حصر نیروهای نظامی و شبه نظامی، میدان بهارستان تهران روز چهارشنبه بار دیگر صحنه خشونت عریان شد. بر اساس گزارش های دریافتی نیروهای نظامی و شبه نظامی برای مقابله با تجمع شهروندان معترض به نتایج انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری در میدان بهارستان - مقابل مجلس شورای اسلامی، از ظهر روز چهارشنبه این منطقه را به محاصره خود در آوردند.

حوالی ساعت چهار بعد از ظهر، نیروهای نظامی و شبه نظامی مستقر در محل از توقف شهروندان جلوگیری کردند و با افزایش جمعیت، نیروهای امنیتی ایستگاه متروی میدان بهارستان را بستند و اقدام به برخورد فیزیکی با معترضان کردند. نیروهای نظامی با افزایش جمعیت شهروندان معترض به طور بی حد و حصری از گاز اشک آور برای متفرق کردن معترضان

صبح شنبه ۲۳ خرداد ماه، در حالیکه تهران همچنان روز پر التهابی را پیش رو داشت، چهره افراد لباس شخصی که با چماق هایی یکدست به ضرب و شتم مردم می پردازند پررنگ تر شد. این افراد اغلب به طور روزمرد استخدام شده اند و آن طور که یکی از آنان می گوید «به روزمزدان ایرانی روزانه ۲۰۰ هزار تومان و به غیرایرانی ها تا چند برابر این مقدار» در روز پرداخت می شود. چماقداری که خبرنگار روز با وی صحبت کرده همچنین گفته است: ما در آسایشگاه هستیم اما غیرایرانی ها در هتل اقامت دارند. این گفت و گوی ویژه در پی می آید. از چهار روز پس از اعلام نتایج انتخابات، نیروهایی لباس شخصی اما با کلاه کاسکت

اهل کجا هستی؟ تربت تربت؟ تربت جام. چند سال داری؟ ۳۶ سال زن و بچه هم داری حتما؟ نی. زن و بچه خرج دارد. من بیکارم. بیکار؟ مگر تو بسیجی نیستی؟ حقوق نمی گیری از سپاه؟ نی. بسیجی نیستم که بیکارم. ولی الان که سرکاری؛ نه؟ ها! چویدستی چرا دستت گرفتی؟ ما را آورده اند اینجا تا منافقین را بزنیم. این چویدستی را هم برای همین به ما داده اند. چه کسی داده؟ حاجی. گفته جوری بزن که دیگر بلند نشود. اینها خائن هستند. خودت چه فکر می کنی؟

کجا آمده اند؟ همه را نمی شناسم اما در آسایشگاه ما از مازندران، اراک و خوزستان هم آدم هستند. از تربت حیدریه و خواف هم هستند. [نوشیدنی اش را خورده است. در خواست یک نخ سیگار می کند. می دهم. آتش می زند. در حال دود کردن سیگار به حرف زدن ادامه می دهیم.] عرب هم هست بین تان. نه؟ آره؛ ولی من شنیدم آنها را به هتل برده اند. می گویند از لبنان آمده اند. دیشب که به ما شام تن ماهی دادند، بچه ها می گفتند به عرب ها غذای خوب می دهند. آسایشگاه شما کجاست؟ نمی دانم. تهران را بلد نیستم. اما دور است. اینطرفی می رویم تا می رسم به آسایشگاه. (او شرق تهران را نشان می دهد). تا حالا تهران آمده بودی؟ نه؛ اولین بار است.

محسن مخملباف: برای شهدا شام غریبان بر گزار کنیم

محسن مخملباف با نگارش نامه ای از کلیه ایرانیان ساکن داخل و خارج کشور خواست برای شهیدان حوادث چند روز اخیر ایران «شام غریبان» برگزار کنند و شهدای آزادی ایران را تنها نگذارند.

در نامه مخملباف آمده است:

حتی نگذاشتند پدر ندا گریه کند. حتی نگذاشتند مادر ندا داغی را که بر دل داشت بگیرد. نه اینکه نگذاشتند رای هایمان را بشماریم، که حتی نگذاشتند شهدایمان را بشماریم.

ما که تاریخ مان تاریخ عزاست، به نام قانون از عزاداری منع شدیم.

ای خدا این جا کجاست؟ ای خدا این چه غربتی است؟ این چه شام غریبی است؟ ای خدا از تو اجازه گریه می خواهم. از تو اجازه عزاداری می خواهم. ای خدا می خواهم جمعه شب، وقتی خورشیدت غروب کرد، شمعی برای شام غریبان ایرانم روشن کنم. شمعی روی بام خانه ام، شمعی پیشاپیش در خانه ام، شمعی در مساجد، شمعی در کلیساهایت، شمعی در معابدت، شمعی در همه دنیا.

ای خدا این جمعه شب به من اجازه بده، به وقت غروب، برای ندا، برای ندای ایران که پرپر شد، برای شهدای ایران که پرپر شدند شمعی روشن کنم. ای خدا آیا آنها که نام ترا گروگان گرفته اند، با قانون تفنگ شان، این یکی را به مردم ایران اجازه می دهند؟

برای همدردی با خانواده شهداء، از کلیه ایرانیان سراسر جهان می خواهیم تا جمعه شب، هنگام غروب آفتاب، در سراسر جهان، در خیابان ها، در مساجد، در کلیساها، در معابد، در جلوی سفارتخانه های ایران، و در ایران در پشت بام ها با روشن کردن شمع به شام غریبان شهدای آزادی ایران بنشینیم.

هر ایرانی جمعه شب در غروب آفتاب برای شهدای آزادی یک شمع روشن خواهد کرد.

گفتگوی خبرنگار روز با یک لباس شخصی:

روزی دویست هزار تومان می دهند مردم را کتک بزنیم

جلال کیهان منش

من به این کارها کاری ندارم؛ پولم را می گیرم. پول کتک زدن می گیری. حال هم می کنی. ها! آنها پول داده اند تا بزنم. توپاشی نمی زنی؟ حالا چقدر می دهند؟ روزی ۲۰۰ تومان. [خنده ای می آید توی چشم هایش] ۲۰۰ هزار تومان خیلی زیاد است. با این پول می خواهی چه کار کنی؟ می روم زن می گیرم. دو تا هم بخوایم می دهند وقتی اینقدر پول داشته باشم. می دانی چقدر می شود؟ دو میلیون. حالا شاید دیگر نروم تربت. شاید همینجا بمانم. حاجی می گفت باز هم تظاهرات می شود؛ به ما کار می دهند.

چند روز است آمده ای تهران؟ ۳ روز. ۷ روز دیگر قرار است بمانیم. کسان دیگری که با تو هستند از

نیروهای ضد شورش در خیابان ها پدیدار شده اند که لهجه آنها آشنا نیست. برخی از شاهدان عینی می گویند: این چماقدارها یک چیزهایی می گویند که ما نمی فهمیم. بعضی هم به طور مشخص خبر از آن می دهند که در برابر خود چماق به دستانی را دیده اند که زبان شان عربی بوده است. دیروز در یک ساندویچ فروشی فرصتی دست داد تا با یکی از این لباس شخصی ها صحبت کنم.

من داخل مغازه بودم که او وارد شد. از مغازه دار یک نوشیدنی خنک خواست؛ آن هم در حالیکه چماقش را به همراه داشت. سر صحبت با وی را باز کردم.

سلام برادر خسته نباشی خدا عمرت دهد. التماس دعا (او که در چشمانش دلهره نهفته است، لهجه غلیظی دارد)

نماز هم می خوانی؟ بله. اما اینجا می گویند وقتی در ماموریت هستی دستشویی هم نباید بروی.

ناراحت نمی شوی مردم را می زنی؟

مردم؟ حاجی می گوید کسانی که شعار می دهند منافق هستند. من حرف او را قبول دارم. او حاجی است. می دانی حاجی دروغ نمی گوید. [در این موقع مرد هیکلمند و چاقی وارد مغازه می شود. با اخم به دور و بر نگاه می کند و چشمش به آن جوان می افتد.]

می گوید: اینجا چه می کنی؟ با کی حرف می زدی؟

مرد جواب می دهد: هیچی؛ آمده بودم کانادا بخرم. برو سر پست خودت. یا الله.

مرد چماقش را بر می دارد و می رود. نوشابه خنک خورده و حالش جا آمده. هفت روز دیگر که برسد، باز برای او کار خواهد بود؟

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَلَمْ یَأْنِ لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَ مَا یَزَلْ مِنْ الْحَقِّ

آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و حق خاشع گردد؟!

وقایع روزهای گذشته اینجانب را به حکم وظیفه دینی، اخلاقی و ملی بر آن داشت تا نکاتی را یاد آور شوم:

۱- اعلام نتیجه انتخابات اینجانب را همچون انبوهی از ملت هوشمند ایران شگفت زده و نگران ساخت. شگفت زده از آن جهت که چگونه سرمایه عظیم اعتماد ملت به تاراج رفت و نگران از این بابت که چرا پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلابی که آزادی یکی از اساسی ترین شعارهای آن بود و به بهای ریخته شدن خون عزیزان این وطن به پیروزی رسید، شهروندان این کشور از حداقل میزان آزادی سیاسی، یعنی برخورداری از انتخاباتی سالم، محرومند؟ هرچند در طول سالیان گذشته با نگرانی عمیق، ویرانی بسیاری از دستاوردهای اسلام و انقلاب عمیق، ولی امید آن داشتم تا این انتخابات بتواند تضمینی بر حداقلی از آزادی ها باشد و از خسارات بیشتر جلوگیری کند. ملت سرفراز و آگاه ایران نیز برای پاسداری از همین آزادی حداقلی با وجود همه تضمیناتی که بر سر تحقق خواسته آنان بود بیشتر همکاری را با حکومت داشتند و حتی به فیلتر شوری نگاهبان تمکین کردند و به یکی از ۴ کاندیدای مورد تایید شورای نگاهبان رأی دادند و صادقانه تمامی سرمایه خود را در طبق اخلاص نهادند و با حضور حماسی خود از خسارت و زوال بیشتر ایران عزیز جلوگیری کنند.اما افسوس که امروز بسیاری از رأی دهندگان احساس می کنند همان رأی هم نادیده گرفته شده است و فربیی به بهای از بین رفتن آبرو و صداقت حکومت، خورده اند. انتظار می رفت مسئولین مربوطه با وجود خواستند محدودیتهایی که در انتخابات ایجاد کرده بودند به آرای مردم احترام گذاشته از آن حفاظت نمایند، آن هم در نظامی که با عناوینی همچون مردم سالاری دینی همواره خود را بر آمده از ملت معرفی می کند، ولی پاسداشت حضور حماسی ملت اعلام نتیجه ای بود که نه تنها هیچیک از رقبای انتخاباتی آن را نپذیرفتند، بلکه احساسات کثیری از رأی دهندگان را جریحه دار کرد.

۲- امروز میلیون ها رأی دهنده ایرانی در داخل و خارج کشور معتقد هستند که بزرگترین گناهان که دروغ است، آن‌ها مدیونگی به بزرگی ایران بر نیز گناه خیانت در امانت را مجریان امر! مرتکب شده اند و گویا قرار است کسی سخنی نگوید تا با مرور زمان همه چیز حل شود. راستی چه منکر عظیم تر از دروغ و خیانت در امانت آنهم نسبت به ملتی به عظمت ملت ایران؟ مگر راستگویی چه زبانی برای صاحبان قدرت دارد که از آن گریزانند و دروغ گویی جز از بین بردن مشروعیت نظام و سلب اعتماد عمومی چه سودی در پی دارد که این همه بر آن اصرار می ورزند؟ در انتخابات ریاست جمهوری ۴ سال قبل هم برخی از کاندیداها مدعی تقلب و تخلف گسترده بودند، لکن در این انتخابات افزون بر سه کاندیدا عده کثیری از مردم نتیجه انتخابات را نپذیرفته اند؟ چنانچه این باور اصلاح نشود و اعتماد جمهور مردم جلب نگردد بازنده اصلی نظام است. مهم‌ترین سرمایه اجتماعی و ملی همه نظام‌ها اعتماد عمومی است و حداقل خسران و ضمیمت کنونی از بین رفتن آن است. آیا در چنین شرایطی نباید برای باز گرداندن اعتماد مردم تلاش کرد؟ آیا روشی که در پیش گرفته شده برای جلب اعتماد مردم مناسب است؟ ابطال انتخابات یک روال سابقه دار بوده و به هیچ عنوان بدعت نیست و بدیهی است تکرار انتخابات هم نه تنها باعث تغییر در آراء واقعی ملت نمی شود بلکه تمامی رأی دهندگان را بر آرای خود ثابت قدم تر می کند. چنانچه شورای نگاهبان هم نظر قطعی خود را بر سر صحت انتخابات صادر نماید، رهبر می تواند به عنوان معضل پیش آمده از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام دستور اقدام دهد تا رئیس جمهور برآمده از انتخاباتی سالم و شفاف بتواند با قدرت و اعتماد به نفسی بیشتر مسئولیت اجرائی کشور را بر عهده گیرد.

حال اگر کسی مدعی تقلب و تخلف در انتخابات

باشد چگونه می تواند آن را بیان کند؟ در حالی که مطبوعات تحت فشار و تهدید و سانسور قرار دارند و به نحو بی سابقه ای تمامی رسانه ها تحت کنترل است و هر گونه اطلاع رسانی از طریق رسانه های داخلی و خارجی و اینترنت و تمامی سایت های خبر رسانی و حتی تلفن شخصی شهروندان دچار اختلال قرار می گیرد و سیستم پیام کوتاه تعطیل می گردد تا حداقل های ارتباطی و خبررسانی مردم از بین برود و صدا و سیما هم که متعلق به مردم و جزء اموال عمومی است یک طرفه هر آنچه می خواهد می گوید بدون اینکه اشخاص و صاحب نظرانی که مانند آنها فکر نمی کنند و یا اعتقاد به تخلف و تقلب آشکار در انتخابات دارند را در بحث‌ها شرکت دهد، دیگر چه راهی برای اعتراض می ماند؟ مگر امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین ارکان اسلام نیست؟ و در آیات متعدد قرآن بر آن تاکید نگریده است؟ حال چنانچه مردم منکری را از حکومت مشاهده کردند آیا در قبال آن وظیفه ندارند؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از انحراف حکومت‌ها نیست؟ حکومتی که مدعی آزادی است و در گفتگو با رسانه های داخلی و خارجی ادعا می کند در ایران آزادی مطلقا وجود دارد، اعلام نماید مردم چگونه می توانند انتخابات را نقد کنند؟ چرا پس از تریک رهبری هیچ یک از رقبیان این نتیجه را نپذیرفته اند؟ چرا نخست وزیر ۸ ساله نظام در دوران دفاع مقدس، جناب آقای مهدی‌س میر حسین موسوی و نیز حجت الاسلام و المسلمین مهدی کروی‌ی رییس دو دوره مجلس نظام که هر دو مورد تایید صریح امام خمینی (ره) بوده‌اند و آشکارا خود را در چهارچوب نظام ولایت فقیه تعریف می کنند و به تاژگی از فیلتر شوری نگاهبان عبور کرده اند و مجدداً در نماز جمعه اخیر هم مورد تایید رهبری قرار گرفتند و به تعبیری خودی به حساب آمدند، نظر رهبری را نمی پذیرند و صراحتاً انتخابات را شعبده بازی و مضحک می نامند؟ امروز هم مردم به دنبال رأی خود می گردند و حکومت نباید از این خواست تعبیر دیگری بکند که تعبیری غیر از این بین از همه به ضرر حاکمیت است. همیشه حکومت‌ها اعتراضات سنگین و خواسته های بزرگ را تقلیل می دهند و بسیار تعجب آور است که چرا در این نظام خواسته های معقول و قابل دسترس را به انقلاب مخملی و امثال آن و یا تأثیر پذیری از القانات خارجی ارتقاء میدهدند؟

۳- حال چرا تیر اندازی به مردم؟ چرا دستگیری های کور و حبس و زندان؟ چرا ضرب و شتم و هتک حیثیت مردم؟ چرا حمله به دانشجوین و دانشگاه ها؟ چرا اتهام های واهی؟ چرا برخورد با مالباخته به جای دزد؟ زندانی کردن ده‌ها اصلاح طلب و روشنفکر، نخبگان سیاسی و فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و تعداد کثیری از جوانان و دانشجوین و فعالان جنبش مدنی که در راستای احقاق حقوق ملت و دفاع از آزادی بیان تلاش می کرده‌اند و بسیاری از آنان چه در جریان انقلاب و چه پس از آن خدمات بسیاری به این ملت کرده‌اند و در راه دفاع از حقوق ملت همچون برادر گرفتار و عزیز جناب دکتر سعید حجاریان هزینه های سنگینی چون ترور و جانبازی را پرداخته‌اند، چه مشکلی را حل می کند؟ آیا این دستگیری‌ها خود برمشکلات حکومت و انحرافش از جاده حقیقت و صواب نمی افزاید؟ به فرض که حکومت عزیزان زندانی‌ما را وادار به اعترافات دروغین و سناریوهای شکست خورده و نix نمایی مانند اینکه از خارج دستور گرفته و یا در دنبال انقلاب مخملی و امثال آن بوده‌اند، کرد، طراحان این سناریوها مطمئن باشند تاریخ مصرف این نوع دروغ پردازیها و تهمت‌ها گذشته است و نه تنها بر ملت مؤمن و هوشیار اثر نخواهد گذاشت که فاصله و اختلاف نظر مردم با حاکمیت را بیش از پیش عمیق می کند. آیا این بازداشت‌ها با ضوابط اسلامی و اخلاقی منطبق است؟ آیا این دستور اسلام است که جوانان مظلومی که روش شما را قبول ندارند به نام اسلام بازداشت و زندانی کنید؟ آیا اینها خوارچ هستند و دست په سلاح برده اند؟ مگر قرآن کریم نمی گوید "محمد رسول الله و الذین هم اشداء علی الکفار رحماء بینهم" و محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؟" آیا رو در رو قرار

دادن نیروهای سپاه و بسیج و یا نیروی انتظامی – که همگی در جهت امنیت و نظم و نگاهبانی از مرزهای کشور باید با دشمنان خارجی و یا اشترار داخلی مقابله نمایند - با مردم به مصلحت نظام است؟ در اینجا لازم می داثم به مسئولین صدا و سیمای دولتی یاد آور شوم، کسانی را که شما آشوبگر می نامید همین مردمی هستند که هر گاه حکومت نیاز به حضورشان دارد، آنان را ملت غیور و همیشه در صحنه می نامد، هر چند ممکن است افراد شرور آموزش دیده ای در جمع آنان نفوذ کنند و برای آسیب زدن به اجتماعات آنان و صحنه گذاردن بر تبلیغات رسانه های حکومتی دست به هر کاری بزنند. بی تردید این شیوه تبلیغات و اتهام های واهی نفرتی عظیم در میان مردم برای بنگاه غریض و طولیل اطلاع رسانی دولتی به وجود می آورد چرا که تجابت مردم هیچگاه به آنان اجازه تجرب و زبان رساندن به اموال عمومی و یا خصوصی را نمی دهد، اگر چه مسئولیت و وبال این حوادث بر گردن کسانی است که امکان تشکیل جمععات مسالمت آمیز را برای مردم فراهم نکرده‌اند. چگونه است جمععات و تظاهراتی که توسط افراد و احزاب طلب مشاهده نمی شوند ولی در هر نوع تجمع انتقادی و مسالمت آمیز این افراد حضوری پر رنگ در جهت بر هم زدن نظم و آرامش عمومی دارند؟ چگونه است که در جمععات حکومتی عوامل و عناصری تحت عنوان لباس شخصی، گروه فشار و یا عوامل خودسر حضور ندارند ولی اگر تجمع و گردهمایی منتقدین برگزار گردد حضوری گسترده و رعب انگیز دارند؟ و چگونه است که تاکنون این افراد در هیچ دادگاهی محاکمه نشده‌اند؟ سلب اعتماد عمومی خسارتی جبران ناپذیر است که حداقل کشور را در برابر تهدیدهای خارجی آسیب پذیری می سازد و چنانچه خدای ناخواسته تهدیدی خارجی متوجه ایران شود حکومت پشتیبانی مردم را از دست خواهد داد. آیا بهتر نیست حکومت به جای رفتار خشن و تهدید و ارعاب و دستگیری و تیر اندازی و ضرب و شتم و کشتار برخوردی اخلاقی نسبت به مردم داشته باشد؟ مگر علی‌ابن ابی‌طالب (ع) نفرمود: "به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را به من دهند تا به مورچه ای ستم روا داشته پوست جوی را از آن بگیرم، هرگز نمیکنم" آیا پیشوایان دینی ما با مردم به گونه ای رفتار می کردند که جرأت انتقاد نداشته باشند؟ آیا این نوع رفتار، اعتقادات مردم نسبت به اسلام، را خدشه دار نمی کند؟ و این جفای به اسلام نیست؟ قرآن کریم به پیامبر رحمت للعالمین (ص) خطاب می کند: "لَوْ كُنْتَ ظَفَا غَلِیْظَ الْقَلْبِ لَافْتَضَا مِنْ حَوْكٍ / و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً مردم از پیروان تو برآکنده می شدند"

۴- آزادی جوهر انسانیت است و همچنان که در دیرباز تا کنون در متلیم پیامبران و پیشوایان دینی و اندیشمندان و همچنین اعلامیه‌ها و بیانیه های حقوق بشری امروزین مطرح شده است از حقوق سلب ناپذیر انسان است. بنیادی ترین آرمان انقلاب اسلامی نیز آزادی بوده و در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز صراحتاً آزادی تشکیل اجتماعات به رسمیت شناخته شده است. پس چرا در برابر این حق مشروع و مسلم ملت مقاومت می شود و اجازه راهپیمایی داده نمی شود؟ حکومت که خود را اکثریت می داند از چه بیمناک است؟ حاکمیت که همه امکانات مادی و نظامی و انتظامی و اطلاعاتی و تبلیغاتی را در اختیار دارد و معتقد است منتقدان و معترضان اقلیتی بیش نیستند! حکومتی که مدعی ممتاز تران دموکراسی در جهان است حداقل همانند رفتار نمایند، در همه دموکراسی های امروز جهان اجازه راهپیمایی و یا اعتصاب و یا تحمض را به اقلیت می دهند و مسئولیت حفظ امنیت از آن را نیز حکومت به عهده می گیرد. من به عنوان یک شهروند و از باب التصححه لائمه المسلمین به حکومت توصیه می نمایم با پافشاری بر یک کار نادرست کاری نادرست در انجام ندهید و ایران عزیز را دچار آسیب پذیری در برابر تهدیدات خارجی نکنید و با

بیانیه عبدالله نوری پیرامون وقایع اخیر کشور

تمسک به بهره برداری بیگانه صدای حق طلبانه مردم خود را خاموش ننمایید. بنیانید باور آبروی اسلام و نظام و جمهوریت آن‌ها هیچ مصلحتی قابل معاوضه نیست. امیر مومنان (ع) می فرماید: "بهترین مردم نزد خداوند کسی است که درستکاری را بر نا درستی ترجیح دهد، هر چند درستکاری، به زیان او باشد و موجب اندوه او شود و بدکاری برای او سود آور باشد و به مال و اعتبار او بیفزاید" نهج البلاغه – خطبه ۱۲۵

به نوبه خود ، با دلی پر از اندوه با خانواده های دردمند تمامی قربانیان، مجروحان و آسیب دیدگان حوادث روزهای اخیر و خانواده های صبور و مقاوم زندانیان سر افزای که جز خدمت به مردم و دفاع از حقوق ملت جرمی مرتکب نشده‌اند اظهار همدردی می نمایم و به همهء عوامل و عناصر دخیل در این التهاجات و تنش آفرینیها و کسانیکه به نام دفاع از اسلام و انقلاب و نظام خشن ترین برخوردها را نسبت به مردم بی دفاع روا می دارند متذکر می گردم این رفتارها باعث سرعت بخشیدن به زوال حکومت می گردد که: "المملک یبقی مع الکفر و لا ینقی مع الظلم / حکومت با کفر باقی می ماند ولی همراه با ظلم هر گز پایدار نمی ماند." من در مراحل مختلف انقلاب حضور داشته ام، ۵ بار در مسوی امام خمینی (ره) در مسئولیت های مختلف از منصب شدم، ۲ بار در مسئولیت وزارت کشور قرار گرفتم، ۲ بار به مجلس راه یافتم و در طول دوران جنگ در جبهه‌ها حضور داشتم. برادرانم بارها در فیض جنگ مجروح شدند و نهایتاً یکی از آن‌ها به طول شهادت نائل آمد و یکی دیگر از آنها که از قافله شهاده جا مانده بود، در پی انجام وظیفه نمایندگی به سوی رحمت حق شتافت. همواره دل در گرو اسلام و انقلاب و ایران داشته‌ام و در این راه آنچه را وظیفه دینی و ملی خود دانستم‌ام انجام داده و امروز هم اگر چه برای خود و یا خانواده‌ام هزینه داشته‌ام، آنچه بر سر همین آرمانها و عقاید و دفاع از آنچه حق می پنداشتم زندان جمهوری اسلامی را نیز بدون کمترین شکوه و شکایتی تحمل نمودم و با هیچ کس غیر از خدای خود معامله نکرده و نتخواهم کرد (ان شاء الله). بسیاری از دوستانم را به یاد می آورم که در راه دفاع از اسلام و همین در دوران انقلاب و در جبهه های نبرد به شهادت رسیدند و امروز نظاره گر من هستند که آیا در قبال از دست رفتن آرمان های انقلاب و عزت ایران با بی تفاوتی تنها نظاره گر هستم و یا در حد توانم به وظیفه خود عمل می کنم، به تعبیر هشدار دهنده امام خمینی در ماجرای کاپیتولاسیون: "آن آقایانی که می گویند باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد!... و الله، نگاهار است کسی که داد زند؛ والله، مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند" ۶- در دفاع از اسلام و فراز از بیانات امیرمومنان (ع) در نامه خطاب به مالک اشتر را یاد آور می شوم، تا حکمرانان نظام جمهوری اسلامی که از آغاز سوادای تحقق حکومت آرمانی شیعه را در سر داشته‌اند به ارزیابی خویش بنشینند که آیا راهی که در پیش گرفته‌اند راه امام علی (ع) است؟ کلام اول: قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت و محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده ای نسبت به آنان میاش که خوردن آنان را غنیمت شماری زیرا آنان آنها دو گروه بیش نیستند: یا برادران دینی تواند و یا انسالتهائی همچون تو.

کلام دوم: بهیروز از ریختن خون‌ها بناتحق، زیرا که هیچ چیز، مانند ریختن خون حرام سبب غضب خدا و بزرگی عقوبت حق تعالی، و زوال نعمت و کوتاهی عمر دولت نمی‌شود، پس حکومت را با ریختن خون حرام تقویت نکن که همین سبب ضعف و سستی و نابودی آن می‌گردد.

ار دیگر به ارباب حکومت این آیه را متذکر می‌گردم که:لَمْ یَأْنِ لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ لِذِکْرِ اللّٰهِ وَ مَا یَزَلْ مِنْ الْحَقِّ

آیا وقت آن نرسیده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و حق خاشع گردد؟!

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم / تو خواه از سختم پند گیر، خواه ملال

والسلام علی من اتبع الهدی

عبدالله نوری

هفتاد استاد دانشگاه پس از دیدار با موسوی ناپدید شدند

یک وب سایت نزدیک به میر حسین موسوی خبر داده که هفتاد تن از اساتید عضو انجمن اسلامی مدرسان دانشگاه های کشور روز چهارشنبه پس از دیدار با آقای موسوی بازداشت شده اند.

وب سایت «کلمه» وابسته به میر حسین موسوی نوشته است: عصر روز چهارشنبه، آقای موسوی جلسه ای با اساتید عضو انجمن اسلامی مدرسان دانشگاه های کشور داشت که بعد از این دیدار ۷۰ نفر از افراد حاضر در جلسه دستگیر شدند.

این وب سایت از محل نگهداری بازداشت شدگان ابراز بی اطلاعی کرده است.

به دنبال اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران تاکنون علاوه بر بازداشت تعدادی زیادی از معترضان در خیابان های تهران و برخی از شهرستان ها، به گزارش کمیته بین المللی حقوق بشر در ایران، دست کم ۲۴۰ شخصیت سیاسی، اجتماعی، روزنامه نگار و فعال دانشجویی در ۱۰ روز اخیر دستگیر شده اند.

در همین زمینه براساس گزارش های دریافتی، اردشیر امیرارجمند، مسول حقوقی ستاد میرحسین موسوی، نیز روز چهارشنبه بازداشت شده است.

سارالی ویتسون، مدیربخش خاورمیانه و شمال آفریقای سازمان دیده بان حقوق بشر، نیز درباره بازداشت های اخیر گفته است: «ایران در معرض سرکوب خودسرانه معترضان است که هم اکنون جانشان را بر سر راه گذاشته و به دستگیری بیش از هزار نفر انجامیده است.» خانم ویتسون تصریح کرده است: «نقش سعید مرتضوی در این سرکوب ها نشان می دهد که مقامات ایرانی خود را برای ارایه اتهامات ساختگی علیه مخالفان خود آماده می کنند.» سازمان دیده بان حقوق بشر روز چهارشنبه اعلام کرد: «کشتن معترضان غیر مسلح باید به سرعت و توسط گروه ها و افراد مستقل مورد تحقیق قرار گیرد و کسانی که مسئول مرگ کشته شدگان هستند، از جمله کسانی که دستورها را داده اند، باید مورد شناسایی قرار گرفته و تحت تعقیب قانونی قرار گیرند.»

سارالی ویتسون نیز می گوید: «جمهوری اسلامی ایران به جای اینکه خود را در خصوص آنچه که در خیابان های تهران در روز بیستم ژوئن رخ داد پاک کند، به شدت مشغول است تا از مسئولیتی که نیروهای امنیتی برای کشتن معترضان داشتند شانه خالی کند. این بسیار روشن است که رهبر ایران پیام قوی ای به نیروهای امنیتی فرستاده که صرف نظر از سطح خشونت که اعمال می کنند به اعتراضات خاتمه بدهند.»

به گفته مقام های دولتی ایران، تاکنون ۱۷ نفر در جریان اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری کشته شده اند.

سازمان دیده بان حقوق بشر در بیانیه روز چهارشنبه خود می گوید: با بستگان سه تن از افرادی که پس از انتخابات ۲۲ خرداد ماه بازداشت شده اند صحبت کرده است. آنها تأیید کردند که تحقیقات صورت گرفته از این دستگیر شدگان توسط سعید مرتضوی، دادستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران، هدایت می شود.

نامه محتشمی پور و موسوی لاری به جنتی

بازشماری آرا پس از تطبیق اسامی رای دهندگان با اطلاعات ثبت احوال سیدعلی اکبر محتشمی پور و سید عبدالواحد موسوی لاری در نامه ای به آیت الله جنتی، پیشنهاد دادند با استخراج فهرست اسامی رای دهندگان و تطبیق آن با اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور بخشی از حقایق انتخابات روشن شود.

به گزارش قلم نیوز، متن نامه محتشمی پور و لاری به این شرح است:

بسمه تعالی

۲۹۱/ص

۱۳۸۸/۴/۱

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی

سلام علیکم

نظر به بروز ابهام های متعدد در روند برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران و شکایات فراوان ماهوی و شکلی سه نفر از چهار نامزد این دوره انتخابات در مراحل قبل، حین و بعد از اخذ رای، اینجانبان وزرای اسبق کشور، که خود مسئولیت برگزاری چند دوره انتخابات را بر عهده داشته ایم؛ پیشنهاد ذیل را - بعنوان روشی منطقی، قانونی و اقناعی برای معترضین - بمنظور راهگشایی و برون رفت از وضعیت موجود ارائه می نمایم:

با توجه به اینکه ته برگ تعرفه های مصرف شده در شعب اخذ رای موجود می باشد؛ ترتیبی اتخاذ نمایند تا تمامی این تعرفه ها در اختیار کمیته ای مورد اعتماد دست اندرکاران انتخابات و نامزدها قرار گیرد سپس به نحو مقتضی فهرست اسامی رای دهندگان استخراج و با استفاده از پایگاه اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور

- که دسترسی سریع به آن میسر است - تطبیق گردد؛ بدیهی است در این صورت تعداد دقیق رای دهندگانی که واجد شرایط قانونی بوده اند؛ مشخص خواهد شد و تنها پس از انجام این مرحله است که بررسی و بازشماری آرای موجود در صندوق های مورد تردید و مقایسه نتایج حاصله با مفاد فرم های ۲۲ و ۲۸ دارای معنا و روشن کننده حقیقت خواهد بود.

سیدعلی اکبر محتشمی پور، سید

عبدالواحد موسوی لاری

روزنامه ایتالیایی خبر داد:

آغاز خروج گسترده پول از ایران

روزنامه ایتالیایی la stampa به نقل از یک منبع آگاه در اداره اطلاعات ایتالیا گزارش داد که بانک های صادرات، ملی، سپه و ملت در ۴۸ ساعت اخیر شروع به انتقال پول از ایران به ترکیه، مالزی، پاکستان، اندونزی و امارات متحده عربی کرده اند. پول ها با حواله های کمتر از ۱۰ میلیون دلار خارج می شوند.

طبق اطلاعات نیروهای امنیتی ایتالیا پول از حساب بنیادهای مختلف غیر دولتی ایران که تحت کنترل روحانیون هستند، به خارج از کشور منتقل می شوند. فعالیت بنیاد های مستضعفان، جانبازان، بنیاد شهید و سایر سازمان های مشابه تحت کنترل شدید ادارات اطلاعاتی غرب است که با دلایل متعدد معتقدند از طریق همین بنیادها تهران به حمایت مالی از گروه های تروریستی در خارج از کشور، از جمله حزب الله و حماس می پردازد..

«الکساندر سوتیچنکو» کارشناس امور اقتصادی مرکز مطالعه خاور نزدیک در سنت پترزبورگ به روزنامه RBK daily گفت: «بانک های دولتی ایران که در مقاله روزنامه La Stampa به آن اشاره شده، تحت نظر هستند و مجبورند پول را در حواله های کوچک منتقل کنند.» در عین حال وی معتقد است که برای صحبت درباره اینکه تنها روحانیون نگران پول از ایران را خارج می کنند، زود است و حواله به خارج از کشور از طریق بانک های خصوصی که در فهرست سیاه نیروهای امنیتی غربی نبوده و می توانند به آرامی پول جابجا کنند نیز انجام می شود.

بازداشت ۲۴۰ شخصیت سیاسی - اجتماعی در ۱۰ روز

است که نمی دانند چه کسانی مسئولیت امنیت جانی این افراد را برعهده دارد. «بی اطلاعی خانواده بازداشت شدگان از محل نگهداری آنها» و «عدم ارائه حکم جلب یا احضار به در حین بازداشت های اخیر» از جمله موارد دیگری است که کمیته بین المللی حقوق بشر در ایران بر آن تأکید کرده است.

در همین حال معاون اول قوه قضائیه نیز از تشکیل «دادگاه ویژه» برای بازداشت شدگان معترض به نتایج انتخابات خبر داد و گفت: «با دستگیر شدگان حوادث اخیر برخورد عبرت آموزی خواهد شد.»

ابراهیم رئیسی شامگاه دوشنبه در برنامه تلویزیونی دولتی معترضان به نتایج اعلام شده انتخابات را «اغتشاشگر» معرفی کرد و گفت که «این اغتشاشات حتما باید مورد پی گیری دقیق قرار گیرد و با عوامل اغتشاشگر بایستی به صورت عبرت آموزی برخورد شود و دستگاه قضایی هم این کار را انجام خواهد داد.»

کمیته بین المللی حقوق بشر در ایران فهرستی اسامی دست کم ۲۴۰ شخصیت سیاسی، اجتماعی، روزنامه نگار و فعال دانشجویی را منتشر کرد که در ۱۰ روز اخیر دستگیر شده اند.

در این گزارش اعلام شد که تاکنون به طور رسمی کشته شدن ۲۷ نفر در اعتراضات اخیر تهران تأیید شده اما «آمار بازداشتی ها و کشته شده ها خیلی بیشتر از این هاست.»

ابراز نگرانی عفو بین الملل از احتمال شکنجه بازداشت شدگان در ایران

فهرست بازداشت شدگان ۱۰ روز اخیر به ۲۴۰ نفر بالغ می شود که ۲۹ نفر از آنها پس از بازداشت آزاد شدند، اما ۲۱۱ نفر شامل

۱۰۲ نفر از شخصیت های سیاسی، ۲۳ نفر از روزنامه نگاران، ۷۹ نفر از دانشجویان و ۷ نفر از اساتید دانشگاه ها همچنان در زندان به سر می برند.

کمیته بین المللی حقوق بشر در ایران تأکید